

## بسمه تعالی

### نقش مسجد در نزاع بین دین و جهانی شدن

مجتبی فرهنگیان

#### فهرست مطالب

۱	فهرست مطالب:	۱
۳	چکیده:	۳
۳	مقدمه	۳
۶	بخش اول: جهانی شدن (Globalization)	۶
۱۰	ویژگی های جهانی شدن	۱۰
۱۰	بخش دوم: دین و جهانی شدن	۱۰
۱۱	فضای مذهبی	۱۱
۱۲	ارکان اقتدار دین	۱۲
۱۲	۱. قدرت نفس دین	۱۲
۱۳	۲. قدرت نهادینه دینی	۱۳
۱۳	۳. قدرت فردی دین	۱۳
۱۴	۴. قدرت مدنی دین	۱۴
۱۴	۵. قدرت اجتماعی دین	۱۴
۱۵	کستلز و نظریه هویت اجتماعی	۱۵
۱۵	۱. هویت های مقاوم	۱۵
۱۵	۲. هویت های مشروعیت یافته	۱۵
۱۵	۳. هویت تولیدی یا بازسازی شده	۱۵
۱۷	عوامل فرایند معکوس جهانی شدن	۱۷
۱۷	۱. عامل اول: جنبه انعکاس داشتن	۱۷
۱۷	۲. عامل دوم: جنبه سلطه آمیز بودن	۱۷
۱۷	۳. عامل سوم: روحیه نوگرایی محض، جهانی شدن	۱۷
۱۸	شیعه مذهب کنشگر	۱۸
۱۸	الف) عقلانیت:	۱۸
۱۸	ب) اجتهاد:	۱۸
۱۹	ج) نظریه فطرت:	۱۹

- د) عدالت: ..... ۲۰
- ه) مهدویت: ..... ۲۰
- و) ولایت فقیه: ..... ۲۱
- ز) فرازمان و مکان بودن پیام تشیع: ..... ۲۱
- نقش مساجد در نزاع بین دین و جهانی شدن ..... ۲۱
- نتیجه گیری ..... ۲۳

## چکیده:

این مقاله مشتمل بر یک مقدمه، دو بخش و نتیجه پایانی است. در مقدمه اشاره به مسجد و نقش آن در حوزه‌های مختلف شده است. و نکته مهم آن تبلور اصالة الجمع و اصالة الفرد به صورت همزمان در مسجد و ترسیم انسان کامل در این گردونه است. در بخش اول: به تعاریف جهانی شدن و ارائه تعریف مدنظر و خصوصیات جهانی شدن و چالش‌های فرا روی آن و در بخش دوم: به تعریف دین و کارکردهای آن و سپس چالش دین و جهانی شدن و نحوه شکل‌گیری مقاومت‌های فرهنگی و هویت‌های معارض جهانی شدن می‌پردازیم و بطور کلی اینکه دین یک خصلت نرم‌افزاری با گستره جهانی دارد و لذا در مقابل گفتمان مسلط جهانی سازی یک گفتمان معارض را سامان می‌دهد که هویت‌های متفاوت را به وجود می‌آورد و از حاشیه به متن می‌کشاند و در پایان به نقش مسجد در گردونه این نزاع و چگونگی تحول مساجد از یک وضعیت مکانی محدود به وضعیت رسانه‌ای جهانی اشاره می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم که جهانی شدن علی‌رغم تهدیداتش، یک فضای مذهبی جدید را به وجود می‌آورد که جهان گستر خواهد شد.

## مقدمه

پس از نوزایی معرفتی و آغاز بازاندیشی انسان پیرامون چیستی‌ها و چرایی‌های چندگانه از هستی‌شناسی تا انسان‌شناسی نکته‌ای که به عنوان معضله مشترک انسان و ادیان مطرح بود، سؤال از «اصالة الجمع» و یا «اصالة الفرد» بودن در محضر دین بود و با تقدم روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی با گذار از پیچش‌های فلسفی و توصیف تاریخی این بحث، مراد خویش را بیان می‌داریم.

در اسلام تنها نقطه‌ای که می‌تواند اصالت فرد و جمع را تجمیع نموده و باهم مورد تأکید قرار دهد، مفاهیم و مکان‌های تأسیسی توسط اسلام است. مسجد محلی برای تجلی خودسازی فردی یعنی رابطه خالق و مخلوق است و غایت آن هم فردسازی براساس سامانه‌های معرفتی اسلامی است تا فرد قادر باشد در حوزه گفتار، کردار و اندیشه خویشتن، را به آرمان مدل‌های اسلامی نزدیک کند و شاید بتوان گفت غایتش تربیت انسان کامل است. آموزه کانونی مسجد در این راستا گزاره‌های عبادتی، عقیدتی و اخلاقی هستند که منجر به تحولات درونی و نهادینه شدن این آموزه‌ها در درون فرد می‌شود. با خروج فرد از جامعه یعنی جایی که محل تعلق‌های اوست و هنجارهای اجتماعی بر او تحمیل می‌شوند و پاره‌ای رفتارها، گفتارها در نهایت اندیشه‌سازی‌ها وضعیت روانی رفتاری او را رقم می‌زنند، فرد با بریدن از این نظم بسته هنجاری که مولود فرهنگ محیطی است که برای او ایجاد علقه می‌کند وارد مکانی می‌شود که فارغ از تعلق‌های خود ساخته و دگر ساخته است، هم به جهت مسمی «مسجد» و هم از نظر موقعیت فیزیکی و معماری، مسجد اولین کاری که می‌کند خلع ید از نظم طبقاتی و ارزش‌گذاری براساس نقش‌های اجتماعی و وظایف و

کارکردها است. جامعه و تقسیم کار اجتماعی دست به طبقه‌بندی و قشربندی اجتماعی می‌زند که میزان ارج و منزلت اجتماعی انسان‌ها براساس نقشهای پذیرنده و متعاقباً طبقه‌ای است که در آن جای می‌گیرند، اما آموزه کانونی مسجد، منجر به دگرگونی بنیادین مفهومی شده و شاخصه مقبولیت و منزلت و محبوبیت را امری روانی - درونی تفسیر می‌کند و ارزش‌گذاری اجتماعی - طبقاتی را مردود می‌شمارد. این اولین چرخه گسست انسان از علقه‌های اجتماعی پیشادینی است و اساساً اولین سازه همگون‌سازی، و همگون‌سازی انسان‌ها براساس رفتارهای ضد محیطی است که از فرایند نهایی معرفت بخشی و فرمی تشویقی - تنبیهی استفاده می‌کند و از سویی بشارت رستگاری می‌دهد که جهان شمول و تمام شمول است، یعنی تمام انسان‌ها را فارغ از جنس و طبقه و نژاد خطاب می‌دهد (تشویق)؛ از سویی قاعده‌های محیطی - هنجاری را که براساس مؤلفه‌های قدرت، ثروت و وراثت شکل گرفته است به محاجه می‌کشاند و نادیده می‌انگارد و پیروان این نگرش را تهدید به عذاب می‌کند (تنبیه). و این اولین زمینه برای انقلاب روانی افراد است که با ایجاد تشکیک و سؤال پیرامون ساخت اجتماعی، سیاسی و معرفتی منجر به دگرگونی نگرش می‌شود. از همین منظر فرهنگ نیز به عنوان بایسته هنجاری طبیعتاً مورد تشکیک و نقد قرار می‌گیرد. با این مقدمه می‌توان مسجد را نهادی دانست که نقشی انتقادی، نظارتی و انقلابی نسبت به گذشته پیشادینی یا موقعیت تاریخی دارد و نقش اصلاحی خودسازی نسبت به آینده و موقعیت فرهنگی دارد.

حال رابطه ظریف فرد و جامعه در همین راستا می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد. وقتی خودسازی فردی صورت می‌گیرد تغییرات رفتاری، گفتاری و اندیشگی نیز حاصل می‌آید که این‌ها وجهه‌های برونی و نمادین هستند که بیش از آن که فردی باشند در حوزه تعاملات اجتماعی و کنش‌های کنشگران مورد توجه و بازیافت قرار می‌گیرند. پس این دگرگونی‌های فردی منجر به دگرگونی‌های اجتماعی می‌شود. لذا جامعه نیز مورد نقد و اصلاح قرار می‌گیرد. پس مسجد روایت‌های اجتماعی را نیز بازسازی می‌کند. مهم‌تر این که بخش عمده‌ای از قاعده‌ها و روش‌های کلان اجتماعی سیاسی و اقتصادی در اسلام با محوریت مسجد شکل یافته است، چون اولین نهاد حکومت در اسلام نیز مسجد بوده است. مسجد به عنوان نهادی که انسان‌ها با اتکا به نظام دانایی خود، رویکردهای پیش‌رو را مورد مطالعه و راهبری قرار می‌دهند و فرصتها و چالشها و تهدیدها را با مشاورت و معاونت یکدیگر و با محوریت نص، بهینه‌سازی می‌نمایند، کانون مشورت می‌باشد. اصلی‌ترین کارکرد فردی و فرا عبادی مسجد، کارکرد سیاسی یا معطوف به قدرت است که علاوه بر تبیین قدرت متافیزیکی و ماوراء طبیعی، نظارت عمومی را نیز در هیأت امر به معروف و نهی از منکر سامان می‌داد و این همان درهم تنیدگی سرشت‌های فردی و سرنوشت‌های جمعی است که در مسجد مورد تحلیل و تحکیم قرار می‌گرفت. پس مسجد یک عنصر مهم سیاسی که نه تنها قدرت را نظارت می‌کرد، بلکه در قدسی ماندن آن یا مشروعیت بخشی ماورایی نیز نقش دارد و اساساً هم بسته شریعت -

نظارت یا رویکرد قدسی با ایجاد انگاره‌های عرفی تداوم پیدا می‌کند و تمام گزاره‌های هنجاری و آموزه‌های اخلاقی مرسوم نیز مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گرفت. از آن جهت که فرهنگ محیطی مبتنی بر بایسته‌های قومی، نژادی و آمیزه‌های خرافه‌ای و جهل آلود بود، رویکرد دین شالوده شکنانه بود و مسجد، کانون بروز این ساخت شکنی و جایگزینی معرفتی محسوب می‌شد که با ایجاد نظم معرفتی همسان در پیروان خود مبتنی بر روش‌های سه بخشی ادراکی، شناختی، عاطفی و عملیاتی با نهادینه کردن و درونی‌سازی کردن آموزه‌ها، یک نظم هنجاری معطوف به غایت معنایی با استفاده از یک سیستم برهانی ایجاد می‌نمود که از سویی مبناشکنی گذشته گرایانه داشت و از سویی دیگر مبنایگروی آینده تکرانه ارائه می‌داد. آموزه‌های دینی مبتنی بر فطرت هستند. در اسلام گزاره‌های جامعه گرایانه‌ای چون عدالت مبتنی بر خواسته‌های طبقات عموم جامعه و از سویی کاملاً سیستماتیک و عقلانی برای گروه‌های بالا دست اجتماعی بود. توانست نظام پیروان خود را توسعه داده و یک وسعت جغرافیایی همسان ایجاد نماید. آن چه گذشت، کارکردهای اجمالی روانی و اجتماعی مسجد بود. این نقش تا ورود مدرنیته به کشورهای اسلامی تداوم داشت، اما مدرنیته حامل دگرگونی‌های بنیادین در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی (از معرفت تا جامعه) شد و اساساً منجر به شیفت معرفتی از هستی‌شناسی به انسان‌شناسی بود. مسجد که غایتی هستی‌شناسانه داشت با پرسش‌های ناگشوده مدرنیته در پی یافتن پاسخ‌هایی چند وجهی برآمد تا هم انسان، صاحب اختیار بر سرنوشت خود باشد و هم قاموس تکلیف رخت برنبدد، اما در مدرنیته هنوز عنصر زمان و مکان که مسجد سخت در حصار آن در بند است رخت برنسته بود و هنوز مسجد به عنوان یک رسانه در میان رسانه‌های رقیب پیروان خود را سامان می‌داد، ولی جهانی شدن دیگر صرفاً چرخش معرفتی نبود، بلکه امحای عنصر زمان و مکان و تراکم فضا بود که این امر منجر به در هم تنیدگی فرهنگ‌های متضاد، ایجاد هویت‌های چند بخشی و سیال و تولید انسان‌های یک ساحتی می‌شود که اساساً حوزه‌های فضای مذهبی را محاصره و محدود می‌کند و این‌ها نکاتی هستند که به ظاهر تعارض ذاتی مسجد و آموزه‌هایش را با جهانی شدن و دستاوردهایش به ذهن می‌رسانند، اما اندکی دقیق‌تر این دو مقوله را مورد تحلیل قرار می‌دهیم تا ببینیم آیا جهانی شدن می‌تواند بستری برای انتقال پیامهای مسجد به عنوان ابر رسانه مسلمانان باشد و قدرت تنفس و فرصتی برای این رسانه در میان رسانه‌های رقیب ایجاد کند و یا تهدیدی جدی است که پرخاش یا انزوا تنها راه رویارویی با آن است و شاید هم در دنیایی که خلأ معنویت احساس می‌شود مسجد می‌تواند با استفاده از تکنولوژی‌های محصول جهانی شدن، پیام‌های خود را به عنوان گفتمان مسلط به کاربران جهانی آن هم در میان هویت‌های مشتت هویتی همگن در میان منشورهای حقیقت بخش معرفتی ارائه نماید. مسجدی که به دنبال تشکیل پیروان همسان است و ایجاد نظام تابع- پیرو می‌کند و جهانی‌شدنی که محلی برای سرکشی و طغیان است چگونه با هم کنار می‌آیند. فرضیه این مقاله قدرت

خلاقانه حضور مسجد در این زمان و فراتر از آن، تبدیل شدنش به گفتمانی مسلط در مرحله بعد علی‌رغم حضور تهدیدهای جدی و تنگناهای واقعی می‌باشد. ابتدا مفاهیم کلیدی را بررسی اجمالی نموده و سپس فرضیه خود را تحلیل می‌نماییم.

## بخش اول: جهانی شدن (Globalization)

از جهانی شدن تعاریف فراوانی شده است و از جنبه‌های مختلف مورد پرداخت قرار گرفته است. جهانی شدن به عنوان یک ایده هم در اندیشه مکاتب دینی و هم در رویای جهان‌گستر امپراطوری‌ها، تاریخچه‌ای بس طولانی و هم زمان با ظهور ادیان بزرگ و ابرقدرت‌های جهان‌گستر دارد. اما آنچه امروزه مدنظر است به وضعیت خاص تاریخی باز می‌گردد که قدمت آن به ظهور صنعت جهانی ارتباطات باز می‌گردد، که منشأ پیدایش انتقال‌های جدید (دیوید هلد و همکاران ۱۹۹۹) و ظهور فضای جهانی جدید شده است. همان‌طور که ذکر شد چشم‌اندازهای متفاوتی به این موضوع شده است. پاره‌ای اندیشمندان هم چون جیمسون (۱۹۹۸) با نگاه صنعتی به تحلیل جهانی شدن پرداخته است. نک چونگ (۱۹۹۸) ادبیات گفتمان جهانی را مورد بررسی قرار داده است. مفاهیم ابزاری جهانی شدن جنبه دیگری است که مورد توجه جامعه‌شناسی چون گیدنز (۲۰۰۱ و ۱۹۹۹) قرار گرفته است. و یا جودی در مقاله اخیر خود از جهانی شدن در قلمرو حقوق صحبت می‌کند که البته آن را با حقوق بین‌الملل متمایز می‌نماید. جامعه‌شناسان سیاسی به مفهوم قدرت در مدار جهانی پرداخته‌اند (من ۱۹۹۶ و هلد و همکاران ۱۹۹۹). گروه عمده دیگری (هرست و تامسون ۱۹۹۶) حوزه‌های اقتصادی جهانی شدن را مورد بررسی قرار داده‌اند و در نهایت فرهنگ گراها (رابرتسون ۱۹۹۲، فیدرستون ۱۹۹۵) ابعاد فرهنگی جهانی شدن را توسعه داده‌اند.<sup>۱</sup>

گیدنز با رهیافت کارکرد گرایانه به تحلیل جهانی شدن می‌پردازد و جهانی شدن را تقاطع و ارتباط «حاضر و غایب» و یا فعالیت از راه دور می‌داند. مهم‌ترین بعد جهانی شدن را ارتباطات می‌داند که منشأ همسانی فضای جهانی شده و ارتباطات بین فردی فرد با گروه و گروه با گروه را متحول نموده است و ظهور تکنولوژی منجر به ایجاد «جامعه شبکه‌ای جهانی» شده است<sup>۲</sup> (۳) که از نتایج آن شبکه‌ای شدن ارتباطات جهانی در سطح محلی و جهانی و دگرگونی مفهوم زمان و مکان است و لذا کل جامعه جهانی در قلمرو ارتباطات قلمرو صنعت ارتباطات است و همین امر باعث به وجود آمدن فضای مشترک واحد شده است که زیست جهان بومی شده جهانی شدنی مشترک را توسط مراجع تصمیم‌گیر محدود و متعدد سامان

۱- جهانی شدن و دین / مقاله جهانی شدن و فضای مذهبی / دکتر سعید رضا عاملی، ص ۴ و ۱۳۳

۲- مراجعه شود به کتاب جهانی شدن رویش / مقاله جهان شدن و فضای مذهبی / سید صدر عاملی

می‌دهد، اما تعریفی که بتواند با موضوع مورد نظر متناسب باشد تعریفی است که دکتر نحاس ارائه داده است. وی سه قرائت اصلی را از جهانی شدن به شرح زیر بیان می‌کند.

۱. ویژگی خصوصیت عصر جدید سلطه تکنولوژی ارتباطات است که انتقال داده‌ها و تخصص‌ها را آسان می‌سازد و نتیجه‌اش همگرایی و اعتلاف جهانی است.
۲. فناوری جدید ارتباطات تازه‌ترین دستاوردهای فرهنگی در همه کشورهای جهان را به گستره جغرافیایی جهانی منتقل می‌کند و فرهنگ واحد و در عین حال جدیدی را جانشین تنوع و تعیین‌های فکری و فرهنگی منطقه‌ای می‌کند که نتیجه‌اش حاکمیت فضای فرهنگی جدید و مشابه در گستره گیتی است.
۳. تکنولوژی داده‌ها با سرعتی اعجاب‌آور به گونه‌ای توسعه می‌یابد که در افق آینده و شاید همین امروز مرزهای علمی و قومی را می‌شکافد و مدیریت واحدی را در عرصه سیاست جهانی، جایگزین مدیریت‌های کشوری و منطقه‌ای می‌کند.<sup>۱</sup>

شالوده سخن نحاس در باب جهانی شدن در سه موضوع:

۱. علمی؛

۲. فکری و فرهنگی؛

۳. سیاسی و مدیریتی است.

پاره‌ای از اندیشمندان معتقدند که جهانی شدن دو روی یک سکه است که یک روی آن جهان گستره و فضای مشترک و همسان جهانی است و روی دیگر آن محلی شدن، بومی شدن و بروز و ظهور قومیت‌ها و فرهنگ‌ها و خرده‌ایدئولوژی‌هاست که منجر به شکاف‌های هولناک در عرصه‌های مذکور در سطح جهان می‌شود، با نظر داشت این فرضیه گزاره دوم تعریف نحاس که دم از هویت‌های واحد و فرهنگ واحد می‌زند قدری دشوار می‌آید و باید به نوعی تخصیص و تقیید روی بیاوریم. البته تعاریف جامعه‌شناسی از جهانی شدن نیز وجود دارد که ما را به غایت

مد نظر نزدیک می‌کند. رابرتسون معتقد است که جهانی شدن دارای پیامدهای فرهنگی زیادی است که فشار زیادی بر جوامع تمدن‌ها و سنت‌ها در راستای دگرگونی آن‌ها در جهاتی که با باورها و نهادهای هویتی آنان در تعارض است می‌آورد. در این میان دین به عنوان آموزه کانونی فرهنگ در تقابل یا تعامل با جهانی شدن قرار می‌گیرد و تأثیر و تأثر فضاهای دینی هم چون مساجد با جهانی شدن مورد توجه است. گیدنز نیز از منظر کارکردگرایانه و با زاویه‌ای فرهنگی، جهانی شدن را تعریف می‌کند:

۱- ر. ک: نحاس، حرج، جهانی شدن، انسان‌شناسی و آزادی در تربیت، ترجمه طاهره اختر، روزنامه انتخاب، ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۹

«تقویت مناسبات اجتماعی که محل‌های دور از هم را، چنان به هم ربط می‌دهد که هر واقعه تحت تأثیر رویدادی که به آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد و بر عکس»<sup>۱</sup>

در نتیجه به قول تاملینسون:

«جهانی شدن با تلاقی حضور و غیاب (محوزمان)، با در هم بافتگی رویدادها و مناسبات اجتماعی دوردست، با بافت‌های محلی سر و کار دارد»<sup>۲</sup>

در جهانی شدن، فروریزی مرزها تنها دامان مرزهای علمی و جغرافیایی را نمی‌گیرد، بلکه مرزهای عقیدتی و ایدئولوژیک نیز دچار فروریزی می‌شوند. حصار خصوصی ادیان که مخاطبین خود را یک دست و همسان سامان می‌داد و غنای معرفتی، رفتاری، ادراکی می‌بخشید دچار مهمان ناخوانده و سارق مهاجمی شده است که با ساز و برگ‌های مجهز و شالوده شکن خود تمام یقینات مؤمنان را رشته می‌کند و طوفانی از بحران معرفتی بر ذهن او سیطره می‌یابد و در این وضعیت، ادیان هرچه از متن دینی خود به سمت سنت‌های دینی (منابع درجه دوم دینی) حرکت کنند با بحران بیشتری مواجه هستند، چون که غیر عقلانی‌تر و غیر منطقی‌تر جلوه می‌نمایند و نیز به قول ماکس وبر<sup>۳</sup> اگر تک ساحتی باشند معضلات فراتری دارند، تنها ادیان عقلانی و دو ساحتی (یعنی صرفاً مناسک و آیین‌های عبادی و فردی را تئوریزه نکنند بلکه بعد اجتماعی نیز داشته باشند) توان رویارویی با این موج شکننده را دارند و هم چنین اگر لایه‌های معنوی این ادیان در قبال لایه‌های شریعتی تحلیل رفته باشد دچار فروپاشی، هضم و یا گوشه‌نشینی می‌شوند.

در این وضعیت هر دین و فرهنگی در بستری قرار می‌گیرد که غیر تهدیدکننده و تهدیدکننده آن در همان بستر وجود دارد. لذا شاهد ظهور هویت‌های موزائیکی و چند ضلعی سیال، غیر شفاف و کدر و... هستیم که منجر به حاکم شدن فهم‌های نسبی می‌شوند و این حالت، فضا را برای استنشاق پیام‌های تک مرکزیت دینی سخت و نفس‌گیر می‌کند.

بدین ترتیب فرایند جهانی شدن به واسطه سرزمین زدایی، پیوندهای فرهنگ و دین با مکان را تضعیف می‌کند و نظام‌های معنایی را از لنگرگاه محلی خود آزاد می‌سازد.<sup>۴</sup>

جهانی شدن نوعی ارتباط مجازی مبتنی بر محور فضا، مکان و زمان است. حال آن که مسجد یک ارتباط دو سویه و رودررو و واقعیتی است مبتنی بر حضور مسلط و به تعبیری در انحصار فضا، مکان و زمان، به همین جهت رابطه‌های شناختی نیز متفاوت از ادراک مجازی و سیال و در انحصار خصلت‌های درونی شده و تکرارپذیر می‌باشد که منجر به نوعی از ایمان گروهی و مبنای گروهی خاصی می‌شود. نزاع حریم خصوصی و

۱- ۴. گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیست، محسن ثلاثی، ص ۷۷

۲- تاملینسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، ص ۲۵

۳- وبر دین بودا را تک ساحتی و دینی چون اسلام را دو ساحتی می‌داند.

۴- جهانی شدن و دین، عرضی سازی یا قدسی سازی، محمدرضا تاجیک، ص ۳۷



عمومی در گذشته و ارتباط آن با آزادی فردی و دینی و محو این حریم توسط جهانی شدن معضل دیگری فراروی دین است که واگویی‌ای دیگر را رقم می‌زند. دین کانونی‌ترین و در واقع نقطه نهانی فرهنگ است و نیز درون‌سازی یک ساختار تمدنی و رابطه آن با تحولات پیرامون، مبتنی بر نوع تلقی و بینش مذهبی به نظر تنگاتنگ می‌آید. وقتی فهم عرفی شد در گردونه تحولات ارتباطی متغیر و متحول می‌شود و دگرگونی یا دگردیسی معرفتی به وجود می‌آید. آن‌گاه نگرش‌های مذهبی و حوزه انتظارات از دین و نهایتاً گستره شریعت نیز مورد ارزیابی و بازخوانی قرار می‌گیرد و اینجاست که مسجد یا فرصت‌بازنمایی دوباره اجتماعی فراتر از فرم‌گرایی و مناسک‌پردازی بی‌روح می‌یابد و یا حاشیه‌نشین تمدنی خواهد بود که هر از گاهی تنها از منظر تاریخی برای تحلیل وضعیت و موقعیت معماری آن توسط عده‌ای خاص مورد مطالعه قرار می‌گیرد، ولی با توجه به آن‌چه که در مورد مسجد در صفحات پیشین گذشت، خصلت فعال‌بخشی مسجد در حوزه روانی و اجتماعی می‌تواند در صورت استفاده صحیح، تکاپوی دیگری را برای این نهاد هویت‌ساز رقم بزند.

جهانی شدن، نزاع‌های فراوانی را از سوی محققین بر سر همین موضوع برانگیخته است:

۱. پاره‌ای جهانی شدن را یک پروژه می‌دانند که دارای فاعل مشخص است و غایت معینی را با استفاده از برنامه‌ها و طرح‌های از پیش طراحی شده دنبال می‌کند. لذا از آن به «آمریکایی شدن»، «غربی شدن» یا «جهانی سازی» تعبیر می‌کنند.
  ۲. دسته‌ای دیگر آن را یک پروسه می‌دانند که به علت پیشرفت ارتباطات و تکنولوژی بوجود آمده و فاقد یک فاعل مشخص و غایت مشخص است و صرفاً فرایندی است که هر کسی می‌تواند در آن نقش داشته باشد.
- فرض این مقاله این است که جهانی شدن نه صرفاً یک پروژه است و نه پروسه. جهانی شدن گرچه بستری است فراهم شده، ولی قدرت‌های بزرگ در پی هدایت و راهبری آن هستند، اما رویکرد نرم‌افزاری آن، زمینه را برای بروز تمدن‌های معارض و حضور فعالانه گفتمان‌اندیشی این تمدن‌ها فراهم می‌آورد که ایران اسلامی یکی از این تمدن‌هاست.

در تقسیم‌بندی دیگر، جهانی شدن را دو ساختی می‌دانند:

۱. ساخت سخت‌افزاری: یعنی تکنولوژی ارتباطات منشأ متراکم شدن ارتباطات و ظهور جهانی مجازی شده است.
  ۲. ساخت نرم‌افزاری: اطلاعاتی که در این سخت‌افزار مبادله می‌شود.
- قرائن و شواهد جملگی حاکی است که در دهه اخیر زمینه برای مرکزیت‌گرایی اسلام فراهم شده است و این نکته خود فرصتی است که رویه نرم‌افزاری جهانی شدن در خدمت ما قرار می‌دهد.

## ویژگی‌های جهانی شدن

در پایان این بخش ویژگی‌های جهانی شدن را می‌توان این گونه نام برد:<sup>۱</sup>

۱. جهانی شدن فرایندی گسسته و منفک در یکی از وجوه اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی نیست. بلکه این پدیده، همبسته‌ای منسجم است که در تمام عرصه‌های اجتماعی رسوخ کرده است.
۲. جهانی شدن اساساً چالش گراست؛ چون قلمرو بسیاری از مفاهیم اجتماعی و سنتی مانند: نظم، قدرت، امنیت، دولت، مشروعیت، فرهنگ، حاکمیت و هویت را درنوردیده و زمینه را برای «باز تفسیر» آنها فراهم ساخته است.
۳. ما در جریان جهانی شدن، نه با یک وضعیت غایی، بلکه با فرایند شدن‌ها سر و کار داریم یعنی جهانی شدن ناپایدار و متغیر.
۴. جهانی شدن نه شر است و نه خیر بلکه فرصتی است که هم می‌تواند منجی باشد و هم مهلک.
۵. این فرایند پدیده‌ای است تناقض نما که با مفاهیم دوگانه جهانی - محلی، همگرایی - واگرایی، جهان گرایی - منطقه گرایی، تنوع و یکسان سازی روبروست، اما این مفاهیم دوگانه در مقابل هم قرار ندارند بلکه در تقویت و تأیید با یکدیگر به سر می‌برند.

## بخش دوم: دین و جهانی شدن

منظور از دین در این جا دین اسلام است که به قول وبر دو ساختی است، از آن جهت که این دین در عرصه‌های گوناگون زندگی چون اجتماع، سیاست و حکومت حضور می‌یابد و برای متغیرهای زمانی و مکانی، خوانشی پویا دارد و با عنصر اجتهاد حصار زمان و مکان را برمی‌دارد پس در عرصه جهانی شدن هم وارد گود محاجه و مبارزه می‌شود. اگر بخواهیم تعریفی ساده و کامل ارائه کنیم شاید بتوان گفت: «روش مخصوصی در زندگی است که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و جهات دایمی حقیقی باشد، تأمین می‌نماید، پس در شریعت باید قانون‌هایی وجود داشته باشد که روش زندگانی را به اندازه احتیاج روشن سازد.»<sup>۲</sup>

حال باید سراغ این نکته را گرفت که آیا ادیان، توان نوزایی، نخوانی و تحول مبتنی بر فهم زمان و مکان و حرکت با اقتضانات زمان را در پروسه جهانی شدن دارند یا خیر؟ انسان امروز در برابر سلطه مدرنیته که در خلأ ارزش‌ها پدیده‌ای بنیادگراست به دامن دین با معرفتی پناه می‌برند که اولاً معنویت را به آنها برگرداند تا به آرامش برسند و ثانیاً واژه‌هایی چون عدالت اجتماعی و... که حلقه‌های مفقوده در

۱- باری آکسفورد، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ترجمه حمیرا شیر زاد.

۲- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۸۷.

اندیشه‌های مدرن هستند را برای آنها تئوریزه، طراحی و عملیاتی نماید؛ به نظر تنها کانونی که این گزاره‌ها را از درون خود به صورت عمیق داراست، گوهر دین می‌باشد. اما برای فهم بهتر، رویکرد در دین نسبت به جهانی شدن را به صورت خلاصه بررسی می‌کنیم.

در خصوص رابطه دین و جهانی شدن و واکنش‌های این دو نسبت به یکدیگر سه دیدگاه کلی قابل طرح است:<sup>۱</sup>

۱. نگرش بدبینانه: پاره‌ای از اندیشمندان اسلامی معتقدند جهانی شدن از فرآورده‌های مدرنیته است و چون چالش میان سنت و مدرنیته منجر به گسست مبانی سنت شد و از سوی جهانی شدن محصول سلطه غرب است، پس در پی صدور ارزش‌های غربی به دیگر جوامع است، بنابراین جهانی شدن همان «غربی شدن» یا «آمریکایی شدن» است و در واقع این گروه معتقد به «جهانی سازی» یا جهانی کردن هستند تا جهانی شدن.
۲. نگرش خوش بینانه (منفعلان): شتاب جهان‌گستری آن چنان سریع است که نه تنها یارای مقاومت با آن نیست، بلکه گوشه نشینی نیز ممکن نمی‌باشد و تنها راه پیشرفت، سوار شدن بر گردونه جهانی شدن است. این نگرش هیچ توجهی به فرهنگ‌های بومی و داشته‌های خودی نمی‌کند در واقع به هضم و ادغام فرهنگ می‌اندیشد و رویکردی منفعلان نسبت به جهانی شدن دارد.
۳. نگرش خرد ورزانه (گزینش گرایانه): مبنا و اساس نظریه‌پردازی در این دیدگاه، عقل و دستاوردهای آن است. در واقع فواید و مضرات جهانی شدن را در ترازوی خرد می‌گذارد و به جای برخورد منفعلان یا واگرایانه با آن، برخوردی منطقی، چینی و فعالانه دارد و به جای آن که خود را به موج طوفانی لایه‌های معرفتی و... جهانی شدن تسلیم نماید، در آن حضور فعال داشته و کانون‌های معرفتی خودش که متکی به آموزه‌های جهان شمول دینی و انسانی هستند ارائه می‌دهد تا خلأهای ناشی از جهانی شدن هدایت شده را پر نماید و به جای استفاده از ابزارهای غیرعقلانی، از ابزار گفت‌وگو استفاده نموده و با رویکردی نرم‌افزاری وجهه خود را می‌نماید که این مقاله نگرش سوم را مطلوب خود می‌داند.

## فضای مذهبی

بیرچ و همکاران (۲۰۰۱: ۱۰۰)<sup>۲</sup> به فضای مذهبی<sup>۱</sup> به عنوان یک جایگاهی که می‌تواند منعکس کننده تحولات ساختاری جامعه از دوره سنتی به دوره مدرنیته باشد نگاه کرده‌اند و از همین منظر می‌توان پاسخ

۱- ر. ک: سجادی، سید عبدالقیوم، «استراتژی‌های کلان جامعه دینی در برخورد با جهانی شدن».

۲- David Birch et al

فضای مذهبی را در مواجهه با فرایند جهانی شدن مورد مطالعه قرار داد. البته مذهب به عنوان یک پدیده اجتماعی بدون ارتباط با سایر ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه قابل فهم نیست. منتهی از آن جا که انعکاس تغییرات مدرنیته و جهانی شدن به صورت برجسته‌ای در فضای مذهبی نمود پیدا کرده است، می‌توان از این طریق روند تغییرات را بصورت برجسته‌تری مورد مطالعه قرار داد.

مذهب، عمومی‌ترین خصیصه اجتماعی است که در کانون توجهات همه جوامع بوده است، بنابراین هر نوع تغییری در این حوزه منعکس کننده «تغییر در حوزه عمومی» نیز محسوب شود، از جهت دیگر «هویت‌های دینی» نیز که یک «محصول دینی» و در عین حال برآیند «تعامل دین، جامعه و فرهنگ» هستند و در بستر فضای دینی شکل می‌گیرند، به نوعی تحت تأثیر و یا عامل اثر گذار بر فضای مذهبی نیز محسوب می‌شوند. بنابراین، فهم نسبت جهانی شدن با فضای مذهبی منعکس کننده کیفیت پاسخ جامعه دینی به جهانی شدن در قالب هویت‌های متفاوت خواهد بود.<sup>۲</sup>

فضای مذهبی در ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ عمومی است که در گذشته اساساً دین، فرهنگ عمومی را تشکیل می‌داد هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی و نیز نهادهای اجتماعی حضور دین کاملاً ملموس و پر سیطره بود. اما با گذر از جامعه سنتی به مدرن، دین نیز ادعای پرهیمنه خود را وانهاد و حرکتی خزنده به سمت سکولاریزاسیون در بیشتر سطوح شکل گرفت که البته این انتقال یک انتقال ساختاری بود.

«همان طور که قوت فضای عمومی، منشأ تولید قدرت افکار عمومی و به عبارتی تجلی «قدرت مردم»<sup>۳</sup> است. قدرت فضای مذهبی، نمود اقتدار دین در یک جامعه است».<sup>۴</sup>

بهمین جهت باید تحلیل مفهومی و دقیق‌تری از فضای مذهبی ارائه داد.

## ارکان اقتدار دین

به نظر می‌رسد اقتدار دین برآیند پنج قدرت اساسی است:

### ۱. قدرت نفس دین:<sup>۵</sup>

پیام و محتوای دینی نقش بسیار مهم در تأثیر بر پیروان و پیشی گرفتن از سایر ادیان دارد. پیام دینی موضوع مورد مطالعه خیلی از اندیشمندان از جمله وبر بوده است. او در مورد اسلام معتقد است که

۱- Religious Sphere

۲- صدر عاملی، سعید، «مقاله جهانی شدن و فضای مذهبی»، کتاب جهانی شدن و دین، ص ۱۲۷

۳- منظور از قدرت همان تعبیر راسل از قدرت است یعنی «اثر اراده شده» که نماد مدیریت سیاسی است و از امتداد سخن می‌گوید.

۴- عاملی، سعید رضا، جهانی شدن و فضای مذهبی، ص ۱۳۹

۵- همان، ص ۱۴۰.

اسلام به دلیل ماهیت اجتماعی و سیاسی آن، مرجع قدرت و قوت گسترده خواهد شد. پس اسلام که در حوزه‌های فردی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای برنامه است به عنوان یک « منبع و مرجع قدرت » محسوب می‌شود.

بنابراین اولاً توجه به پیام‌های دینی و ثانیاً انطباق آن پیام‌ها با نیازهای جامعه انسانی نقش مهمی در فضا سازی مذهبی دارد.

## ۲. قدرت نهادینه دینی:<sup>۱</sup>

قدرت نهادینه دینی از یک سو به نقش سازمان دینی (چاوس، ۱۹۹۴) و از سویی به ریشه‌دار بودن مفاهیم اعتقادی، ارزشی و معرفت‌های دینی در یک جامعه توجه دارد. البته امروز تضعیف سازمان‌های دینی برگرفته از سرعت ارتباطات و تحول در سازمان‌های اجتماعی است که نقش سازمان‌های دینی را کم‌رنگ‌تر می‌کند بنابراین سازمان‌های دینی برای انطباق، مجبور به تحول هستند که این تحول، ترس دور شدن از سنت‌های دینی را القای کند. لذا «پارادوکس نوسازی سازمانی و حفظ شکل سنتی دینی» منشأ التقاط و اختلال فراوانی می‌شود.

## ۳. قدرت فردی دین:<sup>۲</sup>

قدرت فردی دین به اعتقادات، ارزش‌ها و نگرش‌های دینی و نوع ارتباط فرد با مسئولیت‌های دینی باز می‌گردد. ضعیف شدن قدرت فردی دین، به ضعیف شدن نقش دینی در عمل فردی (چاوس، ۱۹۹۴) مربوط می‌شود. دو دیدگاه در خصوص ماهیت تغییرات خصوصاً در حوزه فهم دینی و به تبع آن در فضاهای مذهبی در دوره جهانی شدن مطرح گردیده است:

\* دیدگاه اول که رویکرد فلسفی و معرفت‌شناسانه دارد بر این مبنا تأکید می‌ورزد که تغییرات مذهبی معلول فرایندهای معرفتی و شناختی است. (سروش، ۱۳۷۵).

\* دیدگاه دوم که متأثر از رویکرد جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی است، بر این مبنا تأکید می‌کند که تغییر بنیادین جهت، (ویلنتی، ۲۰۰۰) معرفت‌کالایی شدن زندگی با ارزش‌های نظام سرمایه‌داری و فرهنگ مصرف‌گرایی غربی است (ترنر، ۱۹۹۴، عاملی، ۲۰۰۲). طبق این نظر تحولات فهم مذهبی و تحولات عمل مذهبی برگرفته از «تکثرگرایی معرفتی» نیست، بلکه معلول «تکثرگرایی فرهنگی» می‌باشد که منجر به تغییرات غیرارادی در تمام حوزه‌ها و خصوصاً دین می‌شود. شاید از همین جهت است که به گفته برایون ترنر (۱۹۹۳) نقش گفتمان‌های روشن‌فکری در جهان معاصر کم‌رنگ شده است. که منجر به جابجایی جدید در حوزه «نخبگان اجتماعی» شده است.

۱- همان

۲- همان

#### ۴. قدرت مدنی دین:<sup>۱</sup>

قدرت مدنی دین را می‌توان به مجموعه «قوانین و مقررات مربوط به مردم» و «نهادهای مدنی» و نسبت آنها با قوانین مورد نظر دین عامه مردم در یک جامعه مرتبط نمود. میزان قدرت مدنی دین مربوط به میزان نفوذ تعالیم دینی در قوانین و مقررات مدنی و هم چنین نقش تعالیم و معارف دینی در برنامه‌های نهادهای مدنی یک جامعه می‌باشد. یکی از کارهای الگوهای غربی با مدل‌های توسعه که در جهانی شدن نیز شتاب فراگیرتری می‌گیرد عبارت است از الگوسازی‌های غیر دینی در حوزه توسعه نظام بوروکراتیک، و قوانین شهری و مدنی.

اما در اسلام شیعی می‌بینیم که قدرت مدنی دین بسیار بالاست، به طوری که حتی نظم بوروکراتیک و قوانین شهری و مدنی نیز باید از صافی‌گزینش دینی رد شوند و در واقع از حوض دین غسل نمایند.

#### ۵. قدرت اجتماعی دین:<sup>۲</sup>

قدرت اجتماعی دین، نسبت وسیعی با نقش دین در جامعه، عرصه‌های سیاسی و بسیج و تأسیس نهضت‌های اجتماعی و سیاسی دارد. میزان اقتدار نهضت‌های دینی ارتباطی تنگاتنگ با قدرت اجتماعی دین برقرار می‌کند. قدرت اجتماعی دین به نوعی به «نقش اجتماعی دین» و یا به تعبیر پیتز برگر (۱۳۸۱:۶۲) به انتظاراتی که از نقش دین در جامعه و خود دارد باز می‌گردد. شرایط مادی گرایانه جهان امروز منشأ ظهور نهضت‌های دینی شده است. به گونه‌ای که یکی از بارزترین جلوه‌های قدرت اجتماعی دین، ظهور جنبش‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی دینی موسوم به بنیادگرایی اسلامی و مسیحی در جهان معاصر است.

هوگلند (۱۹۸۲)، والت (۱۹۹۲)، بریجیکیان (۱۹۹۲)، جلائی پور (۱۳۸۲) و منوئل کتلز (۱۹۹۷) از این نهضت دینی به عنوان بازخورد جهانی شدن، در قالب (هویت‌های مقاومت) یاد می‌کنند. گیدنز به بنیادگرایی اسلامی به عنوان برجسته‌ترین نمود بنیادگرایی دینی اشاره می‌کند و معتقد است که بنیادگرایی اسلامی، از یکسو بازتاب فشارهای ارزشی نظام سکولارمدرن و از سوی دیگر متأثر از ابعاد سنتی دین اسلام است. (گیدنز ۲۰۰۱: ۵۵۸).

نکته قابل تأمل این که قوت و ضعف نهادهای اجتماعی مذهب نسبت جدی با زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یک جامعه دارد. نوع تعامل نظام سیاسی با مذهب، پیشینه فرهنگی، عوامل فراملی و بین‌المللی و نظام آموزش و پرورش از جمله عواملی است که بر چگونگی نهادهای اجتماعی مذهبی اثر جدی می‌گذارد. فضای مذهبی، زمینه ظهور هویت‌های اجتماعی دینی را فراهم می‌آورد.

۱- همان، ص ۱۴۲ - ۱۴۳

۲- همان، ص ۱۴۶

هویت های اجتماعی لزوماً از یک ماهیت مشترک برخوردار نیستند، ولی ضمن تجزیه هویت های اجتماعی، نمودهای عینی مشترک را در قالب هویت های خاص پیدا می کنند.

### کستلز و نظریه هویت اجتماعی

کستلز (۱۹۹۷) از جمله کسانی است که هویت های اجتماعی را در عصر جهانی شدن بر سه نوع هویت تقسیم می کند:<sup>۱</sup>

۱. هویت های مقاوم؛

۲. هویت های مشروعیت یافته؛

۳. هویت تولیدی یا بازسازی شده.

حال که نگاهی اجمالی به قدرت های منبعث از دین که در واقع منبع اقتدار دین هستند داشتیم، رویکرد دین نسبت به جهانی شدن یا بازتاب جهانی شدن در دین را بررسی می کنیم. به نظر می رسد که پاسخ جوامع دینی نسبت به «جهانی شدن از بالا» فقط در انطباق و سازگاری و یا همسان سازی با فرهنگ غرب نیست، بلکه فشار و سلطه غرب منشأ شکل گیری «مقاومت فرهنگی و دینی» و برجسته شدن سنت های دینی در فضای دینی جوامع شده است.

در واقع اگر از طرفی شاهد روند (جهانی شدن از بالا هستیم) اما یک روند معکوسی سامان یافته است که منجر به ظهور جنبشها و نهضت های مخالف این نوع جهانی شدن هستند؛ به گفته گیدنز شاهد جهانی شدنهای معکوس هستیم که «جهانی شدن از پایین» می باشد. کانون نرم افزاری، این نوع از جهانی شدن، دین و نهادهای دینی هستند.

«این نوع نهضت های اجتماعی در قالب مقابله با روحیه سلطه جهانی (روادس، ۲۰۰۳) و جستجو برای عدالت فراگیرتر جهانی (باقلیوالا، ۲۰۰۲) و هم چنین در شکل نهضت های اجتماعی محیط زیست گرا (روستی، ۲۰۰۴) و یا نهضت های فمینیستی ظهور پیدا کرده است.»<sup>۲</sup>

در این میان نهضت های اصول گرایانه و بنیادگرای دینی از مهم ترین وجوه جهانی شدن معکوس هستند که به صورت موازی جهانی شدن حرکت می کنند، اما با غایتی متفاوت. نهضت ها و جنبش های دینی، جنبش هایی هستند که بدنال تغییر در سازمان های دینی و انقلاب سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سطح دولت - ملت ها، احیای سنت های دینی و الهی و تغییر در روند حاکم بر جهان ظهور پیدا می کنند. که

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۴۶

<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۵۶

تفاوت نهضت‌های دینی با نهضت‌های اجتماعی در تأکید بر معیارهای ارزشی و دینی در اولی است و وجه اشتراک آنها جمعی بودن هر دو است.

در فضای جهانی شدن، مهم‌ترین نهضت دینی که منجر به انقلاب شد، انقلاب اسلامی ایران بود که برخلاف جامعه‌شناسان معروف چون وبر، دورکهایم و مارکس که ادعای حاشیه‌نشینی دین را داشتند، عامل تغییری بزرگ در جامعه ایران و به تبع آن در کل جهان و منجر به احیای دین‌گروی و دین‌گرایی در سراسر جهان شد، البته، این به محتوا و ماهیت دین برمی‌گردد چون دین یا کنش‌گراست و یا کنش‌پذیر؛ الف) دین کنش‌پذیر: با هجده مدرنیته و انفعال سنت، دین نیز دو موضع می‌گیرد. دین در این موضع کنش‌پذیر شده و در مقابل گزاره‌های مدرنیسم دچار نوعی انعطاف یا سردرگمی و نهایتاً از موضعی انزواگرایانه یا تطابق‌گرایانه وارد می‌شود.<sup>۱</sup>

ب) دین کنشگر: یعنی در مقابل پدیده مدرنیته موضع فعال گرفته است و نه تنها به مقابله با آن بر می‌خیزد بلکه برنامه‌های راهبردی را به پیروان خود ارائه می‌دهد. ظهور پدیده «بنیادگرایی» نوعی کنش‌گری در برابر یکسان‌سازی فرهنگی و هویتی در سطح جهان به شمار می‌رود.<sup>۲</sup> بارزترین نمونه این کنشگری، انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که این انقلاب علیه مدرنیته و در راستای احیا و بازخوانی اصلاح‌گرایانه سنت بود و مهم‌تر این که با اتکا به اندیشه شیعی و قوانین شیعی به بار نشست.

یکی دیگر از نقش‌های دینی که در قدرت اجتماعی و مدنی ذکر آن گذشت، قدرت هویت‌سازی توسط دین است. دین جزء عناصر کلیدی ساخت هویت است. حتی بعضی هویت دینی را به عنوان هویت مستقل مطرح می‌کنند. وقتی بحران هویت، توسط جهانی شدن به وجود می‌آید، به صورت طبیعی بازگشت جهانی ادیان، زنده می‌شود که این بازگشت به دو جنبه مهم از فرایند جهانی شدن، یعنی جهان به عنوان یک نظام واحد همگن و نیز نسبی‌گرایی فرهنگی بر می‌گردد. مارتین آلبرو، درباره نقش «جوامع محلی دینی» در جهان معاصر می‌گوید: «نامعلومی Ontological و فقدان قطعیت درباره وجود جامعه اغلب «ناایمنی هستی‌شناختی» نامیده شده است، یعنی فقدان اعتماد به واقعیت پیرامون که از ناایمنی نداشتن کار Insecurity یا سلامت بنیادی‌تر است! مهم‌ترین تغییری که در خصوص جهانی شدن و دین متصور هست، تغییری است که در ساختار جامعه به وجود آمده است و به نوعی مفهوم جامعه بومی، فضای عمومی بومی و در پی آن فضای مذهبی و هویت‌های اجتماعی تغییر کرده است، این تغییر محصول یکپارچگی «بستر اجتماعی و فرهنگی» جهان معاصر و به عبارتی همان طور که گذشت محو فاصله حاضر و غایب و تراکم فضاهای جدا افتاده قدیم است. با توجه به فضای موجود، نوعی از «قبیله‌گرایی جهانی» در حال

<sup>۱</sup> - کیانی، داوود، فرهنگ جهانی؛ اسطوره یا واقعیت.

<sup>۲</sup> - گل محمدی، احمد، جهانی شدن و بحران هویت.



شکل‌گیری است و محدوده فضای عمومی فراتر از دولت‌ها و ملت‌ها هستند. بالطبع حصار فضای مذهبی نیز گستره‌ای به وسعت جهان را در بر می‌گیرد، البته گرچه به نظر جهانی شدن قدرت مدنی و قدرت سیاسی دین را به چالش می‌کشاند، ولی با توجه به خلأهای به وجود آمده ناشی از جهانی شدن، قدرت فردی و اجتماعی جهانی شدن دین گسترش می‌یابد که در صورت مدیریت هدایت شده و معناگرایانه تسخیر و تصرف قدرت سیاسی و مدنی نیز امری ممکن می‌آید.

### عوامل فرایند معکوس جهانی شدن

عواملی که موجب برجسته‌تر شدن فرایند معکوس جهانی شدن هستند و آن را از حاشیه به متن مقاومت و پیروزی می‌کشاند عبارتند از:

۱. **عامل اول: جنبه انعکاس داشتن** تنوع فرهنگی متأثر از جهانی شدن که منشأ انعکاس تفاوت‌های بین فرد و جامعه بومی با «دیگری» می‌شود.<sup>۱</sup>
۲. **عامل دوم: جنبه سلطه آمیز بودن** جهانی شدن‌های از بالا به پایین که عکس‌العمل طبیعی<sup>۲</sup> آن برجسته شدن هویت‌های مقاومت است.
۳. **عامل سوم: روحیه نوگرایی محض جهانی شدن** آمریکایی که تمام تاریخ و فرهنگ گذشته تمدنی را نادیده می‌انگارد و بازتاب چنین خوانش‌هایی، عکس‌العمل‌های منفی و چکشی می‌باشد.<sup>۳</sup>

این سه عامل، معرف قوی شدن «هویت‌های اجتماعی» می‌باشند که این هویت‌ها نیز از ابعاد سه‌گانه:

۱. تمایزگرایی
۲. سلطه ستیزی
۳. استمرار هویتی<sup>۴</sup> برخوردارند.

نوگرایی گرچه از یکسو منجر به نشاط و تنوع می‌شود، ولی اگر این نوگرایی در هویت سرایت کند منجر به نوعی «گم‌گشتگی و نوستالژی‌ای هویتی» می‌شود، بنابراین روندهای معکوس از قدرت و قوت بیشتری برخوردار خواهد شد. با توجه به روند رو به رشد «هویت‌های مقاومت» و جهانی شدن معکوس (از پایین به بالا) نوعی از ارزش‌های مشترک الهی که مورد قبول همه ادیان است در حال تجلی اجتماعی است که منجر به نوعی از «عام‌گرایی دینی» شده است.

<sup>۱</sup> - عاملی، سعید رضا، مقاله جهانی شدن و فضای مذهبی، ص ۱۵۸ - ۱۵۹

<sup>۲</sup> - همان

<sup>۳</sup> - همان

<sup>۴</sup> - همان

## Religious universalism

به خاطر این که مفاهیمی چون عدالت، ظلم ستیزی، توجه به کرامت انسانی و نفس سلطه غیر الهی در کانون این نگرش وجود دارد، می توان نتیجه گرفت که مهم ترین روند معکوس جهانی شدن، جهانی شدن های ارزشی می باشد.

### شیعه مذهب کنشگر

شیعه نیز به مانند بقیه مذاهب و ادیان دارای پیام فرامرزی و فرازمان است و مؤلفه های آن، فراتاریخی و جهان شمول است. دو عنصری که شیعه را متمایز می کند:

۱. اصل عدالت و عدالت اجتماعی؛

۲. نظریه امامت به عنوان راهبرد سیاسی.

این دو عنصر که از سویی مهم ترین خلأ و دغدغه بشری (عدالت) را نه صرفاً به عنوان توصیه اخلاقی بلکه به عنوان بایسته های نظام مند و تمدنی برای تمام بشریت و همه تمدن ها طراحی می کند و از سویی ساز و کار آن ها را در تفکر امامت و ولایت معصوم تعبیه می کند. برای توضیح این مطلب به چند مؤلفه کلیدی شیعه اشاره می کنیم تا بحث، قالبی واضح تر بیابد:

### الف) عقلانیت

شیعه بیشترین ملازمت با عقل را دارد؛ کثرت فیلسوفان شیعه گواه این مدعاست. سیره عقلانیه مستقلات عقلیه و ملازمات عقلیه از مباحث کلیدی اصول هستند. حتی بعضی از کتب حدیثی شیعه مانند اصول کافی نیز با «باب عقل و جهل» شروع کرده اند، البته عده ای معتقدند بین عقل وبری «ابزار» و عقل فلسفی تفاوت است، اما از تفکر شیعی، عقل ابزاری نیز مورد توجه و تأکید می باشد، و با توجه به سیر عقلانی در جهانی شدن به نظر می رسد تفکر شیعی بیشترین و بهترین تعامل را می تواند با انسان امروزی و جامعه امروزی داشته باشد.

### ب) اجتهاد<sup>۱</sup>

نظریه پردازان فرهنگ و اندیشه بر این باورند که برخی اصول اندیشه، بر اثر گذر زمان دچار فراموشی و فرسودگی می شوند و نیازمند اصلاح و دگر تفسیری هستند. اجتهاد یکی از اصولی است که در مذهب شیعه نقش اساسی و کلیدی ایفا می کند و با نگرش منطقی و عقلی و فهمی نوشونده و تکاملی، دستورات دین همگام با مقتضیات زمان و مکان می گردد. بنابراین در زمان های مختلف، این اصل، راهگشای بسیاری از بن بست ها و مشکلات خواهد بود.

۱- سید باقری، سید کاظم، جهانی شدن و پویایی انتظارات از دین ص ۳۴۵-۵

بر همین اساس است که می‌توان از دستوره‌های اصیل و واقعی اسلام، براساس احتیاجات روز حکم کرد و در دوره جهانی شدن نیز این فهم نوشونده می‌تواند جوابگوی بسیاری از مسایل شود.

هشام شرابی، اجتهاد را در برقراری تحلیل عقلی در حوزه باز فهمی دین می‌داند:

«حاصل فرجامین (احیاء اجتهاد) برقراری تحلیل عقلی به مثابه شرط اولیه تفسیر بود. این کار نه تنها راه را برای برقراری دوباره اصل داوری مستقل (اجتهاد) باز کرده بلکه اقتدار سلسله سران سنتی ریشه‌دار را نیز مورد تردید قرار داده است. این گذر به جنبش اصلاح طلبی، نیرو و تحرک زیاد می‌بخشید.»<sup>۱</sup>

شهید مطهری با طرح سلسله قوانین ثابت و متغیر درباره اجتهاد می‌گوید:

«اسلام یک نوع رمز و یک دستگاه متحرکی در داخل خود قرار داده که خودش از ناحیه خود تغییر می‌کند نه از ناحیه کسی دیگر که مثلاً علما بیایند تغییر بدهند، علما فقط می‌توانند آن تغییرات را کشف کنند نه این که تغییر بدهند.»<sup>۲</sup>

شهید صدر، اجتهاد را برای بازفهمی نظام عقیدتی اسلام لازم می‌داند تا هم در اصول و هم در فروع، از آن مدد گیرد و بتواند با آن اسلام را مطابق با نیازهای واقعی زمان عرضه کند.<sup>۳</sup>

دو عنصر مهم در جهانی شدن که برای اجتهاد مورد تمسک و خوانش قرار می‌گیرند:

۱. سنت

۲. عقل

عقل، مهم‌ترین عنصر برای ارتباط معنادار و همه‌جانبه با دنیای مدرن است که از لایه‌هایی از:

۱. آمپریسم؛

۲. پوزیتیویسم و ادراکات حسی و تجربی در حوزه معرفتی سود می‌جوید. گرچه بین عقل جدید که

مبتنی بر خرد جدید است و عقل مورد استعمال در قوانین فقهی تفاوت است، اما مبانی مشترک

هستند. لذا عنصر اجتهاد در فرایند جهانی شدن نقش اساسی برای حمل سنت‌ها به دروازه جهانی

شدن دارند.

### ج ( نظریه فطرت

در اندیشه شیعی، خلقت تمام انسان‌ها براساس فطرتی است که این فطرت، طالب خداشناسی و خداگرایی

می‌باشد؛ پس آدمیان، پذیرش ذاتی برای توحید عملی و نظری دارند. فراتر این که برخی قائل به فطری

۱- شرابی، هشام، روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، ص ۳۱

۲- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲ ص ۱۴.

۳- نصری، عبدالله، انتظار بشر از دین، ص ۱۶۴.

بودن نبوت پیامبر اسلام و ولایت ائمه اطهار نیز هستند، پس انسان‌ها در بدو تولد، گرایش پذیرفتن مهم‌ترین رکن شیعی را که اساس ادیان آسمانی نیز هست (توحید) دارا می‌باشند.

## د) عدالت

یکی از اصول پنج‌گانه شیعی عدالت می‌باشد. محوری‌ترین مؤلفه ممتاز مذهب شیعی از سایر مذاهب و ادیان، مفهوم عدالت است که دو ساختی است. هم عدالت در نفس را مطرح می‌کند (فردی و درونی) و هم عدالت بیرونی یا اجتماعی را، یعنی «وضع کل شیء فی موضعه» را طرح می‌کند. عدالت در حوزه اجتماعی و سیاسی خصوصاً عدالت سیاسی که منجر به پارادیمی از سیستم‌های سیاسی می‌شود که به تفکر امامت و در زمان غیبت به نظریه ولایت فقیه منجر می‌شود، اساسی‌ترین اصول در تفکر شیعی است که سایر اصول شیعی را نیز تعریف و تبیین می‌کند. عدالت در تفکر شیعی وجهه‌ای هستی - شناختی نیز دارد، «و بالعدل قامت السموات والأرض» آرمان‌نهایی و نهائی شیعه نیز در قالب عدالت طراحی شده است. امام زمان صرفاً برای شیعی Paradaim ایجاد قسط و عدالت بصورت جهانی ظهور می‌کند، پس عدالت در پارادیم، خصلتی فرازمانی دارد و جدی‌ترین گزاره جهانی که تبدیل به یک معضله و حلقه مفقوده شده است نایابی و کم‌یابی عدالت است و هر چه گستره جهانی شدن وسیع‌تر می‌شود دغدغه عدالت نیز فراگیرتر می‌گردد؛ مکاتب بشری با تمام تلاششان در حوزه نظریه‌پردازی اجتماعی نتوانستند مشکل عدالت را سامان دهند؛ اندیشمندانی چون جان راولز که نظریه عدالت توزیعی لیبرالیستی را تبیین نموده‌اند دچار ناکامی در اجرای این نظریه شده‌اند. از آن جهت که علوم اجتماعی و سیاسی به صورت هم بسته هستند و گسست در هم بستگی علوم، منجر به تعارض‌های ذاتی اجتماعی و بحران‌های درون‌زا می‌شود. اصالت کاپیتالیستی و سرمایه‌محوری نه تنها منجر به عدالت توزیعی «راولزی» نمی‌شود، بلکه تضاد Mercantilisty مَرکانتیلیستی طبقاتی، ایجاد کارتل‌های بزرگ و شکاف‌های عظیم شمال و جنوب محصول آن است. تنها تفکری که عدالت را به صورت فرائیسمی و از منظری ساختاری جهانی تبیین می‌کند شیعه است. اصلی‌ترین بحران جهان معاصر، خلأ عدالت، اخلاق، معنویت است، سه ضلعی که اساس تفکر شیعی را سامان می‌دهند. با نظر داشت جهانی شدن معکوس و نیز جهان‌گرایی، فرایند پذیرش این سه عنصر را بصورت تزایدی - تسریعی معنا می‌بخشد، پس در آینده نزدیک شاهد نوعی معناگرایی شیعی در گستره جهانی خواهیم بود.

## هـ) مهدویت

اعتقاد به مصلح آخرالزمان و ایجاد حکومت جهانی براساس عدل و به منظور نجات بشر از ظلم که اصطلاحاً «فلسفه مهدویت» نامیده می‌شود، مختص شیعه نیست و همه ادیان مدلی از آن را دارند.

خصوصیت شیعه، کنشگری مثبت در این رابطه است و آن زمینه‌سازی و بسترسازی برای این امر که اصلاح اجتماعی خصیصه ذاتی آن است.

### **(و) ولایت فقیه**

محکم‌ترین تئوری در باب سیستم حکومتی مذهب شیعه «تئوری ولایت فقیه» می‌باشد. این تئوری که اکنون از پشتوانه قدرت نیز برخوردار است، داعیه نوعی از حکومت جهانی را با اتکا به نظریه‌های جهان محور خود دارد. دانایی و عدالت، مقوم‌های این نظریه هستند که آن از گستره جغرافیایی خاص (ایران) فراتر می‌بخشند.

در واقع تئوری ولایت فقیه با تکیه بر عناصر عدالت، جهاد و اجتهاد خواستار ایجاد نظام سیاسی است که زمینه‌ساز ظهور منجی می‌گردد. و چون ظهور منجی جهانی است، پس این تئوری در حوزه عمل تعامل ایران و کشورهای اسلامی و بلکه نظام بین‌الملل می‌شود.

### **(ز) فرازمان و مکان بودن پیام تشیع**

پیام‌های شیعی فرازمانی و فرامکانی و برای مخاطب عام می‌باشد. جهان شمول بودگی پیام‌های شیعی رویکردی نمادین یافته است و اساساً با تمدن‌ها و قیام‌ها ره‌آوردی بشری به ارمغان می‌آورد. پیام عاشورا که منجر به یک تراژدی بشری تاریخی شد و نظریه پایان تاریخ با پایان جهان که منجر به ظهور مصلح عدالت گستر می‌شود پیام‌های شیعی هستند که اساساً در عصر فراها کاربرد دارند و هم چنین بازخوانی «زیارت وارث» نشان دهنده فراتاریخی بودن پیام شیعی است.

### **نقش مساجد در نزاع بین دین و جهانی شدن**

در پایان اشاره‌ای داریم به نقش مساجد در نزاع بین دین و جهانی شدن. همان‌طور که در آغاز گفته شد مسجد کانون اصلی اسلام از جهت عبادی، نیایشی، آموزشی، عقیدتی، معرفتی و حتی حوزه‌های جانبی چون نظام سیاسی (پایگاه حکومت)، نظامی (پایگاه جهاد) و... بوده است. و نقش خود را به صورت فراگیر برای مخاطبین خود انجام داده است.

قبل از مدرنیته در کنار مساجد یک نهاد آموزشی به نام مدارس ایجاد شد که نقش‌های آموزشی تخصصی چون آموزش کلام، فقه و فلسفه و... از مسجد گرفت و آن را به صورت منحصر در اختیار گرفت. اما مدارس هم نتوانست نقش آموزش عمومی مسجد را از آن بگیرد. اما معضله اصلی مدرنیته و پیامد آن جهانی شدن بود؛ با خصوصیتی که در مورد جهانی شدن ذکر شد، کاملاً واضح است که جهانی شدن از

حیث نرم‌افزاری بستری غیردینی و ضددینی دارد و از حیث سخت‌افزاری و رسانه‌ای نیز دارای شتاب وسیع و فراتر از حد تصویری است که عرصه را برمساجد تنگ می‌کند.

امروز، رسانه‌های جدید هیچ زحمتی به مخاطب نمی‌دهند و در حوزه خصوصی مخاطب رخنه نموده و با بمباران اطلاعاتی و سلب آرامش فکری از او قدرت هر نوع تصمیم‌گیری را از او می‌گیرند و در واقع نوعی از «حقیقت مجازی» را برای او رقم می‌زنند که فرد در دنیای مجازی زندگی کند و ادراکات او نیز مجازی می‌شوند و با نشانه گرفتن لایه‌های عاطفی و حسی مخاطب، نظام معرفتی او را مختل نموده و نوعی از معرفت هدایت شده و کنترل شده را به خورد مخاطب می‌دهند که منجر به افکار سازی در حوزه جامعه می‌شود و بالاخره با انبوهی از مخاطبین روبرو می‌شویم که منبع تغذیه واحد و هدایت شده‌ای آن‌ها را تبدیل به موجودات شعورمند هدایت شده می‌کند و تنها به محرک‌های خاصی که توسط منبعی محدود القاء می‌شود پاسخ می‌دهند، لذا دنیایی همگن و همسان ایجاد می‌کنند، اما این یک روی روایت است. روی دیگر آن در بخش‌های پیشین تحت عنوان جهانی شدن معکوس توضیح داده شد و هم چنین گفتیم جهان معاصر گرچه از حیث اقتصادی و تجاری فروشکسته است و به سمت یکسان سازی سیاسی می‌رود، اما تنها سنگری که هنوز فتح نشده است و مقاومت می‌کند «عرصه فرهنگ» است و قدرت‌های بزرگ که به دنبال جهانی سازی هستند نه تنها نتوانسته‌اند مقاومت‌های فرهنگی را کنترل کنند، بلکه مقاومت‌های فرهنگی از حاشیه به متن آمده‌اند و امروز خود تبدیل به «متن‌های هژمون» یا گفتمان‌های مسلط شده‌اند. در واقع لایه نرم‌افزاری در جهانی شدن هنوز در کشاکش نزاع بین دین‌گرایی و مادی‌گرایی، معرفت و احساس حق و باطل، حقیقت و مجاز، بومی‌گری، محلی‌گرایی و جهانی‌گرایی می‌باشد. اما مهم‌ترین نزاع، دین

و آموزه‌های جهانی سازی، اندیشه‌های محدود بشری (لیبرالیسم) می‌باشد که امروزه خیزش جنبش‌های دینی و مقاومت فرهنگی شکننده‌ای که برای جهانی سازی وجود دارد عرصه را به سمت فرهنگی شدن یا دین‌گرایی انسان معاصر پیش می‌برد. منظور از دین، اسلام است و خصوصاً قرائت شیعی با توجه به خصوصیتی که دارد و ذکر شد که در حال حاضر تنها قرائتی که می‌تواند انسان معاصر را نجات دهد و بستر آرامش روانی برایش ایجاد نماید،<sup>۱</sup> تفکر شیعی است. چون دو ساختی است و لبه اجتماعی آن تیزتر از ساخت فردی‌اش است. حتی قرائت عرفانی انسان معاصر نیز به قرائت عرفانی شیعی نزدیکتر است. مضافاً که امروزه تفکر شیعی از یک نظام سیاسی که تبدیل به یک روند تبلیغاتی و سیاست‌گذاری جهانی شده است نیز برخوردار است. حال با توجه به مسایل مذکور، مسجد اولین و اساسی‌ترین کانون است که

۱- ملکیان، مصطفی؛ عقلانیت و معنویت.

آموزه‌های دینی و نرم‌افزاری را می‌تواند به جامعه جهانی القا نماید، گرچه مسجد دارای مکان مشخص و مخاطبین خاص است، اما مسجد دو کار انجام می‌دهد:

۱. ساماندهی معرفتی مخاطبین خاص و ایجاد نظام ارتباطی (چهره به چهره) که کارآمدترین نظام ارتباطی است و مبتنی بر معرفت حقیقی است نه مجازی.
۲. مسجد می‌تواند از رسانه‌های جدید به عنوان ابزار استفاده نماید.

مهم‌ترین خصلت مسجد تولید پیام است و پیام یک نرم‌افزار است که می‌تواند از طریق نظام ارتباط محدود و مشخص (چهره به چهره خود مسجد) به مخاطب برسد و هم می‌تواند از ابزارهای پیام گستر چون رسانه‌های مدرن استفاده نماید. اگر این فرضیه را که رسانه‌های تکنولوژیک به خودی خود و صرفاً از این جهت که ابزار هستند، خنثی می‌باشند و این پیام است که غایت و نوع آن‌ها را مشخص می‌کند بپذیریم، در آن صورت رسانه‌های جدید و شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی ابزارهایی هستند که می‌توانند در خدمت مساجد نیز قرار بگیرند و نظام معنایی اسلام را به جهانیان ارائه دهند و کاربران را با شبکه‌ای از لایه‌های معرفت یقینی آشنا سازند که حاوی یک رویکرد معنوی برای انسان معاصر گریزان از هجمه است.

در جهان معاصر دو خلأ کاملاً مشهود و جهانی است:

۱. خلأ معنویت و ارزش‌های انسانی و الهی؛<sup>۱</sup>
۲. خلأ عدالت.

در صفحات پیشین ذکر شد که ممیزه تفکر شیعی نسبت به دیگر ادیان و فرق، برجستگی این دو گزاره است و کانون تبلیغ این دو، مساجد می‌باشند و مساجد با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای جدید می‌توانند در میان رسانه‌های رقیب ایفای نقش نموده و سنگر فرهنگی در قالب «مقاومتهای فرهنگی» ایجاد نماید که دارای پشتوانه معرفتی است و پیام آن نیز جهان شمول است و مخاطبین جهانی دارد. این نقش آفرینی‌ها منوط به بازاندیشی در رسالت مسجد و نحوه تعامل مسجد و جامعه و نظام ارتباطی آن و استفاده مساجد از رسانه‌های جدید است.

## نتیجه‌گیری

گرچه جهانی شدن یک تهدید است، اما فرصتی می‌آفریند و آن تبدیل شدن گزاره‌های دینی به گزاره جهانی است. البته گزاره‌های دینی خود جهانی هستند، اما از جهت این که فرصت ابراز وجود جهانی می‌یابند منظور است و مسجد کانونی برای نشر این معارف است و می‌تواند از رسانه‌های مدرن استفاده

۱- مراجعه شود به کتاب عقلانیت و معنویت / مصطفی ملکیان.

ابزاری نماید و ایجاد یک بستر فرهنگی کند و در صورتی که این بستر فرهنگی غالب شود نظام اقتصادی سیاسی و اجتماعی خاص خود را تولید می کند و همین امر زمینه را برای ظهور مصلح جهانی مهیا می کند. مسجد برآمد یک نظم سنتی است، یعنی آفریننده یک مدل ارتباطی است که در بستر نظم خاص که معروف به دوران سنتی است شکل گرفته است. کارکردهای آن نیز بالطبع کارکردهای زمینه محور است، اما امروز که در عصر مدرنیته Content معطوف به فرایندهای محیطی یا و فراتر از آن در چالش جهانی شدن قرار گرفته ایم بازخوانی نقش مسجد، ضرورتی بدیهی بنظر می رسد.

در صفحات پیشین اشاره شد که نقش مسجد یک نقش ماهیت گراست، یعنی رسالت مسجد تعمیق باورهای دینی و بیشتر تکیه و تأکید بر لایه های معرفتی است که منجر به درو شدن هویت ایمانی می گردد و همین امر هویت اعتقادی و نیایشی را نیز سامان می دهد. اما گذر تاریخ، این نقش مسجد را از او گرفته است و بیشتر مسجد در پی کارکردهای نیایشی جلوه گر می شود تا ساختارهای درونی سازی. لذا با بازگشت مسجد به رسالت اصلی خود یعنی کارکرد معرفت بخشی و سپس ساماندهی هویت های آیینی، ابتدا رویکرد نرم افزاری و معناشناختی مسجد تقویت می شود و سپس مساجد در گردونه نزاع رسانه ها می توانند سربلند عمل نمایند و سپس با محتوای معرفتی خود می تواند از دیگر رسانه ها بعنوان ابزار استفاده نماید و پیامهای خود را از محدوده زمان و مکان رها نموده و بازتابی جهانی داشته باشند. نتیجه این که جهانی شدن گرچه محدودیت می آفریند، ولی فرصتی برای بازنمایی آموزه های دینی فراهم می کند که در صورت احیای دوباره نقش مسجد، شاهد خلق هویت جدید دینی در قالب هویت های مقاومت خواهیم بود.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد